

مردم این منطقه، با ایران به وجود آمده است. این عوامل به همراه وجود مرزهای مشترک جغرافیایی، برخورداری از کریدور شمال به جنوب، بازارهای مصرفی منطقه، ترانزیت انرژی سبب اهمیت این منطقه در سیاست خارجی ایران شده است. نظر کارشناسان مورد مصاحبه بر این است که آسیای مرکزی جزء نادر مناطق جهان است که به حوزه تمدنی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ایران نه تنها نزدیک است بلکه قرابت و اشتراکات فراوانی دارد پس خود به خود این موضوع بسیار با اهمیت است و این در سیاست خارجی ایران دارای اهمیت راهبردی است اما خبرگان بر این نکته تأکید و اجماع دارند که سیاست خارجی ایران در منطقه فاقد برنامه مدون، سیاست راهبردی و پویاست. همین مسئله سبب شده تا قدرت‌های دیگر نفوذ قابل توجهی در منطقه پیدا کنند. لذا چه سیاست خارجی ایران در منطقه فعال باشد یا نباشد، این منطقه از جنبه‌های مختلف در سیاست خارجی ایران از اهمیت راهبردی برخوردار است.

بنابراین با توجه به داده‌ها و یافته‌هایی (مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه) که در این مقاله مورد تحلیل و تبیین قرار گرفت، سیاست خارجی ایران ناگزیر از توجه به منطقه آسیای مرکزی است. عدم توجه به این منطقه، موجبات خسران برای منافع ملی ایران است. دلیل این تحلیل این است که منطقه‌گرایی و عضویت در سازمان‌های منطقه‌ای به عنوان یکی از الزامات نظام جهانی و روابط بین‌الملل است. بر مبنای فرصت‌هایی که در آسیای مرکزی وجود دارد، گرایش سیاست خارجی ایران به سمت این منطقه، می‌تواند پتانسیل‌های خوبی برای توسعه ایران به همراه داشته باشد. همچنین چالش‌های موجود نیز می‌تواند امنیت و منافع ملی ایران را با خطراتی مواجه کند. ایران در قبال سازمان همکاری شانگهای و آسیای مرکزی می‌تواند با شناخت روندهای گوناگون اقتصادی، سیاسی و نظامی از یک سو و روندهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از سوی دیگر به تنظیم شبکه‌ای از راهبردهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در منطقه بپردازد. حضور ناتو در منطقه و تقابل آن با سازمان همکاری شانگهای، دست‌کم از دیدگاه منافع ملی نه تنها موازنه‌ی قوا را در منطقه‌ی وسیعی از جهان برهم می‌زند، برای ایران نیز تهدیدات جداگانه‌ای ایجاد